



مجمع جهانی صلح اسلامی

ترجمان روز

Translation Day

گزارش

۱۲ تیر ماه؛

سند رسوایی مدعیان دروغین حقوق بشر

شماره: ۱۴۵

تیر ماه ۹۸

رصدخانه روابط بین الملل

ترجمان روز نگاهی است خبری و تحلیل گرایانه به اقدامات و پدیده های جهانی در حوزه فرهنگی، اجتماعی و روابط بین الملل

سخنی با خوانندگان:

رصد مداوم و تجزیه و تحلیل آخرین رویدادها در عرصه بین الملل برای ایجاد شناخت، روند شناسی و برنامه ریزی صحیح از جمله نیازهای ضروری است.

بدین منظور گروه رصدخانه روابط بین الملل مجمع جهانی صلح اسلامی این مهم را در دستور کار خود قرار داده و بخشی از آن را به صورت موردی با عنوان ترجمان روز منتشر می نماید.

هرگونه مساعدت و همفکری در جهت افزایش غنای این گزارش های خبری و تحلیلی مزید امتنان است.

بدیهی است طرح گزارش ها و تحلیل ها گرایشی نبوده و به عنوان نظر رسمی این مجمع نیز تلقی نمی گردد.

از آنجا که این گزارش صرفاً برای تعدادی از مسئولان و مدیران انتشار می یابد، بهره برداری، انتشار و کپی برداری از مطالب با هماهنگی این

مجمع مجاز خواهد بود. تلفن: ۸۸۵۳۸۲۴۸ ایمیل: iwpcf2008@gmail.com — آدرس تلگرامی و سروش: @iw_peace

۱۲ تیر ماه ، سند رسوایی مدعیان دروغین حقوق بشر



مقدمه

بر همگان واضح و آشکار است که حقوق بشر یکی از بازرترین و طبیعی ترین حقوق اولیه بشر است و تقریباً با کمترین اختلافی در تمامی مکاتب و جوامع بشری پذیرفته شده است. با این حال این موضوع در بیشتر مواقع تبدیل به حربه ای شده در دست استعمارگران مستبد در جهت پیشبرد اهداف خود و سرکوب ملت‌هایی که در تضاد فکری و عقیدتی با این کشورها می باشند و علاوه بر آن کشورهای چپاولگر از این وسیله بعنوان ابزاری در جهت استثمار مناطقی از جهان استفاده می نمایند که آن مناطق از نظر منابع معدنی و طبیعی غنی باشد که غرب آسیا نیز از این موضوع علاوه بر اینکه به دور نمانده بلکه بیشتر از هر جای دنیا قربانی مطامع شوم این بازیگران عرصه استعمار شده است. البته در خصوص تفسیر این حقوق در فرهنگ ها و جوامع مختلف همیشه اختلاف نظرهایی مطرح بوده است. یکی از تفاوت های میان گفتمان لیبرال دموکراسی به مقوله ی تصور

هفته دوم تیر ماه در تاریخ جمهوری اسلامی ایران، هفته ای پر حادثه است و با ورق زدن تقویم به رویدادهایی برمی خوریم که هر یک از آنها کافی است به دلیل جنایاتی که با حمایت مدعیان جهانی در حق مردم ایران شده است، آسودگی را از وجدان بشریت بگیرد.

دوازدهم تیرماه یادآور یکی از تلخ ترین وقایع و خاطرات انقلاب اسلامی و مردم ایران و درعین حال یکی از آشکارترین موارد نقض حقوق بشر از سوی دولت مستکبر آمریکا است. این واقعه تأسف بار، حمله موشکی ناو جنگی این کشور در خلیج فارس به هواپیمای مسافربری جمهوری اسلامی ایران بود؛ جنایتی تلخ که در ۱۲ تیرماه سال ۱۳۶۷ روی داد و منجر به شهادت ۲۹۰ مسافر و خدمه این پرواز شد و این امر در دنیا همانند یک لکه، روی سردمداران آمریکایی را تا ابد سیاه کرده است.

حقوق بشر صرفاً اومانستی و فردگرایانه و بر اساس استانداردهای غربی است. آمریکایی به طور کلی و به طور اخص لیبرال دموکراسی به دنبال جهانشمول کردن ارزش های حقوق بشری خود در قالب اعلامیه ی جهانی حقوق بشر و ارزش های تمدن باختر است. با تمام این اوصاف مستندات تاریخی بیانگر این واقعیت است که حقوق بشر ریشه در ادیان الهی دارد و اصول بنیادین حقوق طبیعی شامل حق حیات، حق کرامت، حق تعلیم و تربیت، حق آزادی مسوولانه و حق مساوات، ... به تفصیل در ادیان الهی منجمله تعالیم اسلام مطرح شده است. حقوق بشر غربی به علت غلبه اندیشه مادی، نگاه ماشینی به انسان، بیگانگی با مبدا و معاد و اصالت بخشیدن به لذت گرایی و رفاه مادی صرف به جای اندیشه تعالی بشر، هویت واقعی انسان را نادیده گرفته و در نتیجه به دلیل غفلت از موضوع فضیلت و کرامت انسان، دچار انحطاط و انحراف و تناقضات فراوان شده است.

باید بر این نکته تاکید داشت که حقوق بشر امروز تبدیل به شعاری توخالی از سوی کشورهای غربی به ویژه آمریکا شده، موضوعی است که متاسفانه ماهیت اصلی خود را از دست داده به این معنا که استکبار جهانی به ویژه آمریکا تلاش می کند که با ظاهر سازی و طرح شعار حقوق بشر به اهداف سیاسی خود در نقاط مختلف جهان و کشورهای مختلف دست پیدا کند و هر جا که کشوری با اهداف و سیاست های آن هم سو نباشد در واقع آن را متهم به نقض حقوق بشر می کند.

آمریکا همواره خود را حامی حقوق بشر به جهانیان معرفی می کند و موارد نقض حقوق بشر در سایر کشورها را از زاویه منافع ملی خود به سایر ملل گوشزد می کند، اما در عمل خود یکی از نقض کنندگان فاحش حقوق بشر به شمار می آید. آمریکا با کارنامه ای آکنده از جنایت علیه بشریت و نقض حقوق بشر در داخل و خارج این کشور خود را محکی برای سنجش حقوق بشر در کشورهای دیگر می داند و با همین سنگ محک کشورهای غیرهمسو با سیاست های واشنگتن را به نقض حقوق بشر متهم می کند. هیچ کشوری در جهان معاصر

وجود ندارد که بخشی از فهرست بلند رفتارهای ضد انسانی دولت آمریکا نباشد.

برنامه ریزان آمریکایی گاه در رفتارهای ضد بشری در دیگر کشورها گوی سبقت را از خشن ترین نظام ها ربوده اند که از جمله آن می توان به حملات هواپیماهای بدون سرنشین به غیرنظامیان در پاکستان و سومالی، دایر کردن زندان های مخوف و بدنامی همچون گوانتانامو و ابوغریب و همچنین بازداشتگاه های مخفی در دیگر کشورها اشاره کرد. قاتله کشتار کودکان معصوم و بی گناه در یمن، بحرین، سوریه و فلسطین با بمب های سفارشی توسط کشورهای دست نشانده ای مانند آل سعود و آل خلیفه و حتی سلب تابعیت شیخ قاسم توسط دادگاه های فرمایشی از نمونه های دیگر حقوق بشر آمریکایی هاست.

همچنین در بعد بین الملل نیز اقداماتی همچون کودتاهای ۱۹۵۲ کوبا، ۱۹۵۳ ایران، ۱۹۶۳ عراق، ۱۹۶۴ برزیل، ۱۹۷۱ بولیوی و... تنها نمونه هایی از اقدامات مداخله جویانه ایالات متحده محسوب می شوند که با در نظر گرفتن حق مردم در انتخاب نوع حکومت کشور خود، نمونه های بارزی از اقدام علیه حقوق بشر هستند، که به این فهرست جنگ های داخلی ۱۹۴۹ یونان، ۱۹۵۴ گواتمالا و جنگ های بین المللی ۲۰۰۱ افغانستان و ۲۰۰۳ عراق، جنگ سوریه، حمایت از جنگ یمن و از گروه تروریستی داعش و... را نیز باید افزود، حمایت و پشتیبانی از عربستان سعودی در جنگ علیه انقلاب مردم یمن و همچنین حمایت از این کشور در عرصه بین المللی که خود از بزرگترین ناقضان حقوق بشر است و در سرکوب مخالفان سیاسی و استفاده از اعدام های گسترده و قوانین ضد حقوق بشری علیه زنان و... نمونه های بسیار را در کارنامه دارد.

۱۲ تیر ماه؛ حمله تروریستی آمریکا به هواپیماهای مسافری ایران

۱۲ تیر ماه یادآور حمله تروریستی ناو آمریکایی به هواپیمای مسافربری ایران است. عملیات تروریستی که برخلاف



تمامی موازین حقوقی، حقوق بشری، اصول صریح منشور ملل متحد و همچنین اساسنامه دیوان بین المللی کیفری صورت گرفت؛ عملیاتی که با هدف مداخله در جریان جنگ عراق علیه ایران و با هدف تحت فشار قرار دادن دولت و مردم ایران انجام پذیرفت. سقوط هواپیمای مسافری ایران یکی دیگر و شاید شدیدترین نمونه از مراحل رویارویی آمریکا با جمهوری اسلامی بود و با توجه به حوادث مربوط به آن دوران، این اقدام با هدف تضعیف جمهوری اسلامی و یاری رساندن به رژیم صدام انجام شد. این رویداد چهره حقیقی آمریکا که منادی دموکراسی و مدعی حقوق بشر در سراسر جهان بود را به نمایش گذاشت و بار دیگر نشان داد که آمریکا در عین حالی که بزرگ ترین مدعی حقوق بشر است، بزرگ ترین ناقض آن نیز هست. بر اساس همه شواهد و مدارک کاملاً روشن است که دولت آمریکا عالمانه و عامدانه دستور حمله به هواپیمای مسافری ایران را داده و در این زمینه هیچ گونه شک و تردیدی وجود ندارد.

به هر حال این اقدام آمریکا یک بار دیگر نیت تجاوزکارانه دولت آمریکا و نقش این دولت در بی ثبات کردن و ناامن نمودن خلیج فارس را به اثبات رساند. علاوه بر این، این واقعه نشان داد که دولت آمریکا علی رغم اینکه به عنوان یکی از اعضای دائم شورای امنیت سازمان ملل متحد، وظیفه اولیه حفظ صلح و امنیت بین المللی را به عهده دارد، با جانبداری خود از یکی از طرفین درگیر در جنگ تحمیلی عراق علیه ایران، نه تنها به تعهد خود عمل نکرده، بلکه با نقض فاحش اصول اولیه حقوق بین الملل عمومی، عملاً صلح و امنیت بین المللی را به مخاطره افکنده است.

فاجعه هواپیمای ایرباس ج.ا.ایران اگر چه مهمترین مورد نقض حقوق بین الملل هوایی و قواعد اساسی تضمین امنیت و سلامت هواپیمایی بین المللی کشوری به شمار می رود، اما فرمانده ناو وینسنس به خاطر این عمل از دولتمردان آمریکا نشان لیاقت گرفت و پرسروصداترین محافل سیاسی غرب به آرامی از کنار آن گذشتند. در واقع «ویت راجز» فرمانده وینسنس دستور

حمله به هواپیمای مسافری ایران را داد و نشان لیاقت گرفت، اما خود او روانه تیمارستان شد. در نهایت این وقایع بیانگر این موضوع است که دولت آمریکا علی رغم همه ادعاهایی که در حمایت و پاسداری از حقوق بشر داشته و دارد، در عمل راهی خلاف این ادعاها را طی می کند.

دیدگاه نظریه پردازان در مورد حقوق بشر آمریکایی

کوبین برت تحلیلگر برجسته آمریکایی بر این اعتقاد است که داعش زائیده دستان آمریکاست.



آمریکا، تروریسم را در خاورمیانه راه انداخته است اما به سبک جنگ سرد. آمریکا، داعش را ساخت تا رژیم را در سوریه تغییر دهد و بدین ترتیب، با ایجاد تنش های فرقه ای، اوضاع را کاملاً در این منطقه به دست گیرد.

سیماس میلن معاون سردبیر روزنامه گاردین در این مورد نوشت: داعش همان فرزند آمریکاست. این



گروه تروریستی را ساخت تا سنی ها در مقابل شیعیان قرار دهد. آمریکا به خوبی می دانست که عراق و سوریه دچار بحرانی چند ساله و بزرگ می شوند و در این میان چند صد هزار نفر جان خود را از دست می دهند اما از نظر نخبگان آمریکایی، همه اینها به ایجاد تفرقه بزرگ بین شیعه و سنی که آتش دامن منطقه را بگیرد و اهداف آمریکا را تامین کند، می ارزید.

گاریکای چنگو پژوهشگر دانشگاه هاروارد- در سپتامبر ۲۰۱۴ اعلام کرد که برنامه خلق داعش در آمریکا طراحی شد تا با تسلط این گروه بر خاورمیانه نفت خیز، عملاً کنترل ایران در منطقه بشدت کاسته شود. حتی خود «جوی بایدن» قائم مقام اوباما در اکتبر ۲۰۱۴ در سخنرانی خود در دانشگاه هاوارد اذعان کرد که سه کشور عربستان، امارات متحده عربی و ترکیه کاملاً خواهان سقوط دولت اسد و شروع یک جنگ نیابتی تمام عیار بین شیعه و سنی بودند. داعش و مابقی گروه های مخالف اسد، ۲ مار از یک آستین بودند که هیچگاه یکدیگر را نیش نمی زدند و تمامی هدفشان مسموم کردن بشار اسد بود.

اعترافات **تولسی گابارد** نماینده کنگره از هاوایی قابل توجه است که سازمان سیا را مسئول انتقال پول و سلاح از عربستان سعودی، ترکیه، و قطر در چند سال اخیر به خاک سوریه دانست. خانم گابارد در سال ۲۰۱۵ به سوریه رفت و وقتی بازگشت، این جمله را گفت: «این دیوانگی باید تمام شود. ما باید دست از مسلح کردن تروریست‌ها برداریم». وی، وقتی از خاطرات‌اش در سوریه تعریف می‌کرد، در جایی گفت: «وقتی در سوریه بودم، حکایت‌های بسیار تلخی از زندگی مردم بی‌گناهی را به عین دیدم که عامل‌اش تروریست‌ها بودند. در آن میان، ۲ سوال می‌خکوبم کرد: چرا آمریکا با حمایت از گروه‌های تروریستی می‌خواهد میهن ما را نابود کند؟ چرا وقتی القاعده به آمریکا حمله کرده است و ما هیچگاه به هیچ کشوری حمله نکرده‌ایم، آمریکا به ما حمله می‌کند؟ در چشمانشان نگاه شرم‌گونه‌ای می‌کردم و پاسخی نداشتم که به آنها بدهم».

نقض فاحش حقوق بشر در آمریکا

آمریکا که ادعای سردمداری حقوق بشر را دارد، بزرگترین نقض حقوق بشر در این کشور



انجام می‌شود. شدت خشونت با اسلحه در آمریکا به حدی رسیده که دیگر تیراندازی با تعداد کشته‌های کم چندان مورد توجه رسانه‌های آمریکایی قرار نمی‌گیرد و تنها نمونه‌هایی که در آن کشته‌های زیادی وجود دارند، بازتاب رسانه‌ای پیدا می‌کنند. بررسی‌ها نشان داده که شهرهای مختلف آمریکا از نظر میزان وقوع خشونت و تیراندازی در وضعیت بسیار بدی قرار دارند و آمار تیراندازی در این کشور در مقایسه با دیگر کشورها بسیار بالا و حتی چندین برابر کشورهای دیگر است.

آمارها حاکی از این است که در سال ۲۰۱۷، ۱۷۳۴۰ مورد تیراندازی در آمریکا به ثبت رسیده است که در نتیجه آن ۴۳۲۵ نفر کشته و ۸۴۰۱ نفر زخمی شده‌اند. ۱۸۰ تن از

قربانیان این حوادث را کودکان زیر ۱۱ سال و ۹۰۲ تن از قربانیان را نوجوانان تشکیل می‌دهند. طبق آمار اعلام شده از سوی وبگاه علمی «لایو ساینس» در آگوست ۲۰۱۶، درحالی که جمعیت آمریکا کمتر از ۵ درصد از کل جمعیت دنیا را تشکیل می‌دهد، ۳۱ درصد کل عاملان حمله در تیراندازی‌های جمعی در این کشور زندگی می‌کنند. داده‌هایی که شبکه «سی‌ان‌ان» اخیراً بر اساس گزارش مرکز تحقیقات کنگره آمریکا ارائه کرده، نشان می‌دهد آمریکایی‌ها صاحب حدود نیمی از (۴۸٪) از کل ۶۵۰ میلیون قبضه سلاح غیرنظامی موجود در سراسر دنیا هستند. در گزارشی که رسانه‌های غربی منتشر کرده‌اند، در طول ۳۰ سال گذشته نیمی از بدترین کشتارها که در پی تیراندازی در اماکن عمومی رخ داده مربوط به آمریکا بوده است. همچنین آمار قتل در این کشور ۳ برابر کانادا و ۱۰ برابر ژاپن است. علاوه بر آن کم‌سن و سال‌ترین قاتلین جهان کودکان آمریکایی هستند که در مدارس با اسلحه به سمت دوستان و مربیان خود شلیک کرده‌اند.

یکی از شایع‌ترین موارد نقض حقوق بشر در آمریکا اقدامات خشونت‌آمیز پلیس علیه شهروندان است که در سالهای اخیر به امری عادی تبدیل شده است. به رغم تظاهرات‌های گسترده در سراسر آمریکا علیه خشونت‌های پلیس اما دولت در عمل هیچ اقدامی برای کاهش خشونت‌ها انجام نداده است و در بسیاری از موارد افسران پلیس که مرتکب جنایات ضد انسانی می‌شوند، از سوی دادگاه تبرئه می‌شوند و به جای محاکمه، با اسناد جعلی فرد مقتول را به عنوان یک جانی معرفی کرده و پرونده را مختومه اعلام می‌کنند.

نحوه رفتار با زندانیان در آمریکا نیز از موارد بارز نقض حقوق بشر محسوب می‌شود. وضعیت نامناسب زندان‌های آمریکا و شمار قابل توجه زندانیان در این کشور باعث شده تا سازمان‌های حقوق بشری با بازدید از برخی از زندان‌ها، گزارشاتی را تهیه کنند که گویای وضعیت غیر انسانی زندانیان است.

رسوایی های ضد حقوق بشری آمریکا در زندان ابوغریب



این زندان ابتدا به خاطر جنایات صدام حسین و رژیم بعث عراق در شکنجه و اعدام مخالفان به

خصوص شیعیان به شهرت بین المللی رسید. در سال ۲۰۰۴ میلادی و پس از اشغال عراق توسط آمریکا، با انتشار تصاویری از زندان ابوغریب در برنامه شصت دقیقه شبکه تلویزیونی "سی بی اس" آمریکا و مقاله ای در مجله آمریکایی "نیویورکر" به قلم سیمور هرش درمورد شکنجه و آزار زندانیان عراقی توسط نظامیان آمریکایی در زندان ابوغریب، این زندان مورد توجه بین المللی و انتقادات فراوانی از وزارت دفاع آمریکا به خصوص وزیر وقت دفاع آمریکا، دونالد رامسفلد قرار گرفت.

گروه دیده بان حقوق بشر که مقر آن در آمریکا است، می گوید اظهارات سربازان آمریکایی نشان می دهد که زندانیان در زندان ابوغریب در سال های ۲۰۰۳ تا ۲۰۰۵ به طور مرتب با ضرب و جرح شدید، محرومیت از خواب و دیگر انواع سوء رفتار مواجه بوده اند. یکی از سخنگویان وزارت دفاع آمریکا پنتاگون، گفته است موضوع تا به حال ۱۲ بار مرور شده و هیچ شاهدهی از تشویق و ترویج سوء رفتار در دست نیست.

این در حالی است که "جان سیفتون" تهیه کننده گزارش دیده بان حقوق بشر، ادعاهای دولت آمریکا را در این مورد که شکنجه زندانیان و سوء رفتار با آنان بدون مجوز صورت گرفته و موردی استثنایی بوده است، باطل می داند. گروه های حقوق بشر معتقدند شکنجه در زندان ابوغریب و همچنین بازداشتگاه هایی در فرودگاه بغداد به نام "اردوگاه ناما" و در نزدیکی فرودگاه موصل و در پایگاهی در نزدیکی القیم در مرز سوریه نیز، حتی پس از افشای ماجرای زندان ابوغریب به صورت امری روزمره در جریان بوده است.

ژنرال "آنتونیو تاگوبا" مسئول تحقیق در پرونده زندان ابوغریب شکنجه های جنون آمیز و وحشیانه و هولناک طی ماه های اکتبر تا دسامبر سال ۲۰۰۴ ارتش آمریکا را تأیید

کرده است. در یادداشتی که در سال ۲۰۰۳ به امضای ژنرال سانچز فرمانده کل نیروهای آمریکایی آن زمان مستقر در عراق رسیده بود، مجوز شکنجه زندانیان عراقی در جریان بازجویی با استفاده از روش های گوناگون صادر شده است. ظاهراً یک ماه پس از صدور این یادداشت، ژنرال سانچز پس از مشورت با مشاوران حقوقی ارتش آن را لغو کرد.

اتحادیه حقوق مدنی آمریکا با استناد به قانون آزادی اطلاعات در آمریکا علی رغم مخالفت وزارت دفاع آمریکا به این یادداشت دست یافت. در نهایت و پس از تحقیقات بسیار، مقامات آمریکایی با اعلام این که یک تحقیق جدید نشان می دهد که شاهدهی از عملکرد اشتباه ژنرال سانچز و سه تن از دستیاران ارشد او در دست نیست، وی را از اتهامات وارده تبرئه کردند و به جای وی نظامیان رده پایین تری یعنی یک سرهنگ و چند سرباز را مقصر دانستند.

رسوایی های ضد حقوق بشری آمریکا در زندان گوانتانامو

بازداشتگاه گوانتانامو پس از اشغال افغانستان در سال ۲۰۰۱ میلادی، زیر نظر پایگاه نیروی دریایی



آمریکا در خلیج گوانتانامو ایجاد شد و افرادی که متهم به ارتباط با فعالیت های تروریستی در خارج از خاک آمریکا بودند، به این بازداشتگاه انتقال یافتند. در پی حملات تروریستی و انتحاری ۱۱ سپتامبر سال ۲۰۰۱ در آمریکا و اعلام طرح موسوم به مبارزه جهانی با تروریسم، دولت آمریکا بازداشتگاهی را در این پایگاه ایجاد کرد، تا کسانی را که در ارتباط با اقدامات تروریستی در نقاط مختلف جهان بازداشت می شوند، در این محل زندانی کند.

از آنجا که آمریکا این افراد را "نظامی دشمن" نمی داند، آنان از حقوق اسیران جنگی برخوردار نیستند و از آنجا که نه تابعیت آمریکایی دارند و نه در خاک آمریکا دستگیر یا زندانی شده اند، در حوزه قضایی آمریکا قرار ندارند و مشمول حقوق بازداشت شدگان در قوانین آن کشور، مانند ایراد رسمی اتهام، دسترسی به وکیل مدافع در مراحل

بازجویی و حق محاکمه سریع و عادلانه نشده اند. ادامه بازداشت این افراد با انتقاداتی از سوی نهادهای حقوق بشری مواجه بوده است.

اصطلاح "نظامی دشمن" اصولاً در سیستم حقوقی آمریکا، به افرادی اطلاق می شد که بدون این که کشورشان با آمریکا رسماً در حال جنگ باشد، به اقدام مسلحانه علیه منافع واشنگتن مبادرت کرده و از این روی، طبق تفسیر قانونی دفتر حقوقی ریاست جمهوری آمریکا، منشور حقوق در آمریکا شامل حال آن افراد نمی گردید.

نقض حقوق مسلمانان در آمریکا

مسلمانان در غرب به ویژه در آمریکا با موارد نقض حقوق انسانی رو به افزایش، روبه رو هستند با



این تفاوت که این نوع نقض حقوق بشر به شیوه خشونت بار و خونبار نبوده و به نوعی پنهانی و غیرعلنی اعمال می شود. البته پس از حوادث ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ از این اقدامات پرده برداشته شد، این حوادث به مثابه بهانه ای برای دشمنی آشکار با آن گروه از کشورهای اسلامی بود، که فهرست آنان از قبل تهیه شده بود و پس از آن عرب ها و مسلمانان به شکل بی سابقه ای هدف قرار گرفتند. آمار اقلیت های عرب مسلمان نشان می دهد که بیش از دو هزار حادثه در واکنش به حادثه ۱۱ سپتامبر در مورد آنان رخ داد و بنابر اعلام دفتر تحقیقات فدرال، جنایت ها علیه مسلمانان در سال ۲۰۰۱ در مقایسه با یک سال قبل آن ۱۷ برابر افزایش یافت. اما بسیاری از تحلیلگران واکنش ضد عربی و اسلامی پس از ۱۱ سپتامبر را در چار چوب مشکلی بزرگتر و کهنه تر دانسته اند که در جنایت های نفرت از مسلمانان و عرب ها در آمریکا ریشه دارد.

شورای روابط آمریکایی - اسلامی از افزایش ۶۴ درصدی حوادث ضد مسلمانان در سال ۲۰۰۲ در مقایسه با یک سال پیش از حوادث ۱۱ سپتامبر خبر داد. این گزارش موارد اصلی تبعیض،

خشونت و سختگیری محدودیت هایی علیه مسلمانان آمریکا را شامل می شود و از افزایش آن حکایت دارد.

بر اساس این گزارش تعداد زیادی از مسلمانان پس از حوادث ۱۱ سپتامبر بازداشت و مورد بازجویی قرار گرفتند و از خدمات عمومی محروم شدند و تاجران مسلمان نیز هنگام انتقال سرمایه خود به خارج، آشکارا با محدودیت هایی روبه روشدند تا جایی که از آنان خواسته شد مدارکی ارائه دهند که ثابت کند، تروریست نیستند.

دولت آمریکا نه تنها در داخل به وضوح به تبعیض نژادی علیه مسلمانان، سازمان ها و نهادهای وابسته به آنان پرداخت بلکه برای ثبت مشخصات خارجی ها، شروط جدیدی را به اجرا گذاشت که فقط به دانشجویان و مسافران مسلمان محدود می شد و این روند به آنجا رسید که افسرانی از طرف اف بی آی به طور دائم در برخی کشورهای عربی از جمله مصر و عربستان مستقر شدند تا به بررسی دانشجویان متقاضی، ویزای ورود به آمریکا بپردازند.

بنابر نظرسنجی موسسه "گالوپ" برای شبکه "سی.ان.ان" و مجله "واس تو دی" ۵۸ درصد آمریکایی ها با اجرای اقدامات ویژه امنیتی در مورد مسلمانان و عرب ها از جمله آن دسته از کسانی که تابعیت آمریکایی دارند موافقت کردند و بر اعمال این اقدامات هنگام سوار شدن آنان به هواپیماها تاکید داشتند تا جایی که ۴۹ درصد از کسانی که در این نظرسنجی شرکت کردند اعطای کارت شناسایی ویژه به آمریکایی های عرب و مسلمان را خواستار شدند به گونه ای که این افراد از سایرین متمایز باشند.

برخی گزارشها حاکی است تعدادی از شرکت های هواپیمایی آمریکا مانع از سوار شدن آمریکایی های مسلمان و عرب به هواپیما می شوند آن هم به این دلیل که نام آنان عربی و اسلامی است. از سوی دیگر پس از آنکه تعدادی از شرکت های هوایی آمریکا درصدد اخراج کارمندان خود برآمدند؛ کارمندان مسلمان و عرب در صدر فهرست افراد اخراجی قرار گرفتند.

حمایت آمریکا از تروریسم در جهان

حمایت از تروریسم و گروه‌های تروریستی که در خدمت منافع آمریکا بوده‌اند سیاست دیرین دولت این کشور بوده است. به ویژه در منطقه غرب آسیا، ایجاد تروریسم از سوی آمریکا در دوره جنگ سرد با بنیان نهادن و تأمین مالی برخی جریان‌ها به منظور ممانعت از نفوذ شوروی در منطقه شکل گرفت که در نتیجه آن القاعده به وجود آمد. همچنین، ظهور داعش در عراق و سوریه با حمایت مستقیم آمریکا صورت گرفت. در سال ۱۳۹۷ نیز آمریکا و متحدان غربی و عربی آن در چارچوب حمایت از تروریست‌ها در سوریه اقدامات مختلفی را انجام دادند که از جمله مهمترین آنها می‌توان به حمله موشکی آمریکا به مراکز دولتی سوریه در ۲۵ فروردین این سال اشاره کرد. در این حمله که اقدامی در جهت تجدید روحیه تروریست‌های شکست خورده از ارتش سوریه بود بیش از یک صد موشک به شهرهای دمشق و حمص شلیک شد. چنین اقداماتی حاکی از این واقعیت است که سیاست ایالات متحده در منطقه غرب آسیا، دامن زدن به آشوبی همیشگی و دائمی از جمله از طریق حمایت از تروریسم است تا از این مسیر بتواند اهداف منطقه‌ای خویش مانند کسب منابع نفتی و تأمین امنیت رژیم صهیونیستی را پیگیری نماید.

حمایت آمریکا از اقدامات ضد حقوق بشری رژیم صهیونیستی و عربستان سعودی

رژیم صهیونیستی از بدو شکل‌گیری موجودیت نامشروع خود با کمک و توی آمریکا در اراضی اشغال شده فلسطین مرتکب جنایات گوناگون می‌شود، به طوری که از سال ۱۹۷۲ آمریکا در برابر بیش از ۴۰ قطعنامه شورای امنیت علیه رژیم صهیونیستی حق وتو را به کار برده است. آمریکا در جهت حمایت از این رژیم و اقدامات جنایت کارانه آن در سال ۱۳۹۷ «قدس» را به عنوان پایتخت این رژیم به رسمیت شناخت و در اردیبهشت ماه این سال سفارت خود را از تل آویو به قدس منتقل کرد که با محکومیت جهانی نیز مواجه شد. این اقدام آمریکا در حالی اتفاق افتاد که رژیم صهیونیستی در پاسخ به اعتراضات، صدها تن از فلسطینیان را

به خاک و خون کشید و این جنایت با حمایت آشکار آمریکا اتفاق افتاد. همچنین افزایش کمک‌های نظامی به صهیونیست‌ها را نیز باید به فهرست حمایت‌های ضد حقوق بشری آمریکا از این رژیم افزود. به طور کلی آمریکا با حمایت از جنایات و تجاوزات رژیم صهیونیستی که همگی در چارچوب جنایت علیه بشریت قابل توضیح هستند نشان داده که کوچک‌ترین احترامی برای حقوق بشر قائل نیست. بی جهت نیست که آمریکا در خرداد ماه ۱۳۹۷ با اعلام حمایت از رژیم صهیونیستی از شورای حقوق بشر سازمان ملل خارج شد.

قتل جمال خاشقچی روزنامه‌نگار و نویسنده اهل کشور عربستان سعودی در ترکیه که از منتقدان ولیعهد و پادشاه کشور عربستان بود، نشان داد که ایالات متحده در برابر نقض حقوق افراد برابر منافع خود به واکنش می‌پردازد. واکنش انفعالی و بی‌تفاوتی واشنگتن در این مورد و بی‌توجهی او به درخواست‌های مکرر داخلی و خارجی مبنی بر تجدید نظر در روابط خود با ریاض سبب شد که این مسئله به یکی از رسوایی‌های سیاست خارجی آمریکا تبدیل شود. پشتیبانی ایالات متحده در اعمال استانداردهای دوگانه در رابطه با عربستان تنها محدود به این مورد نمی‌شود، بلکه حمایت از ریاض در جنگ یمن که تاکنون کشتار هزاران شهروند بی‌گناه یمنی اعم از زنان و کودکان را به دنبال داشته را باید مثال دیگری در کارنامه ضد حقوق بشری آمریکا در سطح بین‌المللی به حساب آورد.

آمارها نشان می‌دهد که از ابتدای سال ۲۰۱۶ نزدیک به ۴۴۸۹ شهروند به دلیل حملات هوایی جان خود را از دست داده‌اند که این رقم در مقایسه با سال قبل از آن افزایش داشته است. سازمان ملل ارزیابی کرده که ۱۶ میلیون یمنی (بیش از نیمی از جمعیت) با وجود کمک‌های انسان دوستانه بین‌المللی در معرض تهدید غذایی قرار دارند. دیر کل سازمان ملل نیز در کنفرانس ژنو اعلام کرد که جنگ در یمن به بدترین بحران انسانی سال به «جنگی فراموش شده» تبدیل شده است. با این حال دولت آمریکا در

سال ۱۳۹۷ نیز حمایت از ریاض که عامل همه این جنایت‌ها و فجایع است را مجدانه در دستور کار دارد. آمارها نشان می‌دهد که دو سوم از تسلیحات مورد استفاده عربستان در جنگ یمن از سوی آمریکا برای متجاوزان ارسال شده است. از سوی دیگر سکوت آمریکا در مقابل موارد متعدد نقض حقوق بشر در عربستان از جمله زندانی شدن هزاران نفر در این کشور آن هم بدون محاکمه و یا نوع رفتار این کشور با زنان و نقض فاحش حقوق آنان از دیگر سیاست‌های آمریکا در سال ۱۳۹۷ است که با موازین و اصول حقوق بشر تعارض بنیادینی دارد.

نقض قوانین بین‌المللی

پرونده آمریکا در خصوص استفاده از حق وتو در شورای امنیت بی‌اساس بودن ادعاهای آن مبنی بر میانجیگری بین کشورها و یا حمایت حقوق بشر در جهان را به خوبی نشان می‌دهد.

در موضوع فلسطین اشغالی، آمریکا ۷۲۰ بار در فاصله سالهای ۱۹۶۸ تا ۱۹۹۸ از حق وتو برای خنثی کردن قطعنامه‌های مربوط به حقوق اساسی مردم فلسطین به سرزمین خود، بیرون راندن فلسطینی‌ها، مصادره زمین‌های آنان و نیز ساخت شهرک‌های رژیم صهیونیستی، نقض مقدسات دینی، آزار و شکنجه زنان باردار تا سقط جنین آنان و اقداماتی از این دست، استفاده کرده است.

آمریکا علیه قطعنامه ۳/۱۹۸۳ که در ۱۵ فوریه ۱۹۸۳ صادر شد و در آن کشتار اردوگاه‌های فلسطین صبرا و شتیلا را محکوم کرده بود، از حق وتو استفاده کرد و در قطعنامه ۲/۱۹۸۷ مصوب ۲۰ فوریه ۱۹۸۷ نیز مبنی بر محکومیت سیاست مشت‌آهنین و شکستن استخوان کودکانی که در انتفاضه اول با سنگ از خود دفاع کرده بودند به حق وتو متوسل شد. در مه ۲۰۰۲ نیز آمریکا به تلاش‌های بین‌المللی برای ایجاد دادگاه جنایت بین‌المللی و محاسبه عاملان نقض حقوق بشر در سراسر جهان ضربه محکمی وارد آورد. هدف از ایجاد این دادگاه در واقع فراهم کردن راهکاری برای مقابله بین‌المللی با نقض حقوق بشر به دست نظام‌های دیکتاتوری بود.

در آن زمان دوره کلیتون آمریکا درصدد برآمد تا از معاهده ایجاد دادگاه خارج شود و با وجود اینکه در ۲۰۰۰/۱۲/۳۰ بدون تأیید و به عنوان آخرین کشوری که توافقنامه ایجاد دادگاه را امضا کرده بود، خیلی زود از آن خارج شد. البته این اقدام آمریکا پس از آن صورت گرفت که تمام تلاش‌هایش برای تحریک سازمان ملل و قرار دادن قانون آمریکا فراتر از قوانین بین‌المللی ناکام ماند. سرانجام آمریکا از تصویب منشور رم خودداری و اعلام کرد به این شرط آن را تصویب می‌کند که افسران و سربازان آمریکایی از لزوم حضور در برابر دادگاه به عنوان پیش شرط تصویب عضویت در آن مستثنی شوند. به عبارت دقیق‌تر آمریکا از سازمان ملل خواست ارتش این کشور را فراتر از قانون بین‌المللی در نظر بگیرد و نیروهای آن بدون اینکه هیچ مرجع قضائی حق بازجویی و یا محاکمه افسران و سربازان آمریکایی در خصوص ارتکاب جرایم در حق سایر ملت‌های، را داشته باشد، از حق ارتکاب هر جنایتی برخوردار باشند. نگاهی به پرونده سراسر تحقیر قانون بین‌المللی توسط واشنگتن به درک بهتر پیشینه آمریکا در خصوص فرار از معاهده‌های بین‌المللی کمک می‌کند.

یکی از نمونه‌های این اقدامات آمریکا دخالت در نیکاراگوئه بود که ۷۵ هزار قربانی از جمله ۲۹ هزار کشته بر جای گذاشت. به همین دلیل دولت نیکاراگوئه به دادگاه بین‌المللی متوسل شد که این دادگاه در ۲۷ ژوئیه ۱۹۸۶ توسل به زور آمریکا در نیکاراگوئه را محکوم کرد و آن را به پرداخت غرامت فراخواند، اما آمریکا در پاسخ به آن از تسلیم شدن در برابر این حکم سر باز زد و گفت که دادگاه بین‌المللی را به رسمیت نمی‌شناسد. پس از آن، نیکاراگوئه از شورای امنیت خواست قطعنامه‌ای صادر کرده و کشورها را به احترام به قانون بین‌المللی فراخواند، اما آمریکا در واکنش به حکم دادگاه بین‌المللی از حق وتو استفاده کرد و آن را نایده گرفت. سپس نیکاراگوئه به مجمع عمومی

سازمان ملل متوسل شد و پیشنهاد آن فقط با اعتراض آمریکا، رژیم صهیونیستی و السالوادور روبه رو شد.

جمهوری اسلامی ایران در حیات چهل ساله پربرکت خود انواع سیاست‌های خصمانه آمریکا را تجربه کرده است که بسیاری از آنها با مبانی و موازین حقوق بشر در تعارض و تناقض بوده است. سیاست اعمال تحریم بر ضد ملت ایران از جمله رایج‌ترین سیاست‌های آمریکا در قبال جمهوری اسلامی طی چهل سال اخیر بوده است. این سیاست بار دیگر در سال ۱۳۹۷ و با تصمیم دونالد ترامپ به خروج از برجام و اقدام به بازگرداندن و تشدید تحریم‌های ضد ایرانی اجرا شد و بدین ترتیب جنگی اقتصادی با هدف سخت کردن شرایط اقتصادی برای مردم ایران به راه افتاد. همچنین وزارت خارجه آمریکا مبادرت به تشکیل گروهی به نام «گروه اقدام ایران» به منظور هماهنگ‌سازی تلاش‌های ضد ایرانی واشنگتن و وادار سازی سایر دولت‌ها به تبعیت از این تلاش‌ها کرده است. آمریکا با تهدید کشورها و شرکت‌های مختلف تلاش می‌کند تا سایر کنشگران اقتصادی را از همکاری و تجارت با ایران منصرف سازد و بدین سان شرایط اقتصادی سخت‌تری را بر مردم تحمیل نماید. در این راستا واشنگتن برای ایجاد ائتلافی بین المللی علیه ایران و تشدید فشارها بر کشورمان نیز تلاش می‌کند که برگزاری کنفرانس ضد ایرانی ورشو در اواخر بهمن ماه سال ۱۳۹۷ نمونه‌ای از این تلاش است. چنین سیاستی آشکارا حق حیات و حق توسعه ملت ایران را که از مبانی عام و جهان شمول حقوق بشر به شمار می‌رود، هدف گرفته است. جدا از تحریم اقتصادی، سیاست دخالت در امور داخلی ایران نیز یک دستور کار اصلی دولتمردان آمریکا در قبال ایران در سال ۱۳۹۷ بوده است. در حالی که آمریکا خود از مهمترین ناقضان حقوق بشر در جهان است، در سال گذشته انواع

اتهامات حقوق بشری را متوجه ایران ساخته تا ضمن منزوی کردن ایران، مردم را از نظام و انقلابشان دلسرد نماید.

معامله قرن معامله ای علیه حقوق بشر

برآیند شواهد و مستندات ارائه‌شده در گزارشات معامله قرن آمریکا با اتخاذ



رویکردی ابزاری، بزرگترین پارادوکس رفتاری را به‌نمایش گذاشته است؛ چرا که در عین ادعای حمایت از حقوق بشر به نقض مکرر آن در سطح داخلی و بین‌المللی نیز می‌پردازد. در واقع با قاطعیت می‌توان گفت که آمریکا حقوق بشر را به‌عنوان دستاویز و ابزاری در مسیر اهداف خود به کار گرفته تا از این طریق بر سرنوشت ملت‌ها سلطه یافته و انواع فشارها را بر کشورهای مخالف خود تحمیل کند

مطالعه جزییات معامله قرن نشانگر این است که هر بخش آن یکی از حقوق اصلی فلسطینیان را نادیده می‌گیرد. البته گمانه‌زنی‌های گوناگونی حول معامله قرن شده و برخی رسانه‌های عربی و عبری ادعاهای گوناگونی داشته‌اند؛ اما شاید بتوان گفت مهم‌ترین و رسمی‌ترین جزئیات معامله قرن تنها از سوی صائب عریقات دبیر کمیته اجرایی سازمان آزادی‌بخش فلسطین رسانه‌ای شده است. همخوان بودن ادعاهای عریقات با برخی افشاگری‌های رسانه‌های عبری نشان می‌دهد که می‌توان به آن استناد کرد. کلیات طرح فاش شده از سوی عریقات شامل موارد زیر است که البته هر کدام آشکارا نقض حقوق بشر فلسطینیان هستند:

- شناسایی تمام شهر قدس به پایتختی رژیم صهیونیستی
- تشکیل کشور یهودی اسرائیل (اکنون سازمان ملل، اسرائیل را به عنوان کشوری دموکراتیک اسرائیل و غیر نژادی (یهود) به رسمیت می‌شناسد).
- تشکیل کشور فلسطینی عاری از هرگونه سلاح و ارتش متشکل از نوار غزه و بخشی از کرانه باختری

همه شواهد و مدارک در ارتباط با حقوق بشر آمریکایی، نشانگر این نکته هستند که ایالات متحده آمریکا تنها نگاهی ابزاری به حقوق بشر دارد و از آن به عنوان دستاویزی برای تحت فشار قرار دادن کشورهای دیگر استفاده می کند. بدون تردید مهم ترین گواه این امر روابط بسیار نزدیک آمریکا با عربستان سعودی و رژیم صهیونیستی است که هر دو سرامدان نقض حقوق بشر در ابعاد مختلف هستند. براین اساس کشوری که خود از اصلی ترین ناقضان حقوق بشر است و متحدان نزدیک آن رکوردهای جنایات ضدانسانی را در دست دارند، نباید داعیه حقوق بشر داشته باشد.

باید بر این نکته اذعان داشت که پیامدهای اقدامات آمریکا در مخدوش کردن صلح و امنیت جهان را امروز در اقصی نقاط جهان به شکل های مختلف اعم از آواره شدن میلیون ها شهروند سوری، فلسطینی، عراقی، افغانی و... و همچنین تبدیل شدن منطقه به یک ضرادخانه بزرگ تسلیحاتی و از بین رفتن امنیت و آرامش ملت ها شاهد هستیم.

نکته کلیدی در زمینه ادعای حقوق بشر آمریکا در جهان این است که وظیفه کشورهای آزاده جهان و همچنین نخبگان و فعالان حقوق بشر است که با فعالیت درحوزه آگاه سازی ماهیت واقعی ضدبشری ایالات متحده آمریکا را آشکار سازند. خوشبختانه جمهوری اسلامی ایران یکی از سرامدان آشکارسازی حقوق بشر آمریکایی است.

از سوی دیگر در راستای افشای موارد نقض حقوق بشر توسط آمریکا ضروری است مسئولان کشور در کنفرانس ها و مجامع بین المللی به خصوص در دفتر حقوق بشر کشورهای عضو عدم تعهد و سازمان کنفرانس اسلامی با تاکید بر این موارد و حداقل اعلام رسمی این موارد، نقض حقوق بشر در آمریکا را در اسناد رسمی سازمان ملل و سایر مجامع بین المللی همواره منتشر و ثبت کنند و با همکاری با سایر کشورهایی که در معرض اتهامات آمریکا قرار دارند توجه عفو بین الملل و کمیته حقوق بشر سازمان ملل را به این موارد جلب و در شورای حقوق بشر مجمع عمومی سازمان ملل متحد، آمریکا را محکوم کنند.

- ایجاد یک گذرگاه تحت کنترل امنیتی اسرائیل میان نوار غزه و کرانه باختری برای اتصال این دو منطقه
- الحاق ۱۰ درصد دیگر از کرانه باختری به کشور اسرائیل
- تعیین مرزهای نهایی و دقیق (که منظور شهرک های صهیونیستی در منطقه کرانه باختری است) هم به دو کشور اسرائیل و فلسطین واگذار می شود!

- عدم پذیرش حق بازگشت آوارگان فلسطینی
- آب های منطقه ای، حریم هوایی و امواج الکترومغناطیسی تحت نظارت و مراقبت طرف صهیونیستی خواهد بود.

مهم ترین مؤلفه های ذکر شده در معامله قرن از سوی عریقات، دولت «یهودی اسرائیل»، «پایتختی قدس برای رژیم صهیونیستی»، «رسمیت یافتن اشغالگری و شهرک سازی ها در کرانه باختری» و نقش آفرینی اعراب است که به شکل کامل حقوق فلسطینیان را نادیده می گیرند. تنها می توان گفت وقتی نام معامله قرن می آید، همه می دانند که هدف آن چیست ولی در شیوه عمل و جزئیات آن ذهنیت های پراکنده ای وجود دارد؛ اما آنچه در معامله قرن اهمیت دارد هدف آن است نه جزئیات آن زیرا یک گام بسیار مهم در مسیر تحقق آرزوی صهیونیست ها و تکمیل سیطره بر فلسطین است.

در پایان باید گفت با بررسی طرح معامله قرن و مواضع بازیگران تأثیرگذار در کنار موانع تحقق آن این گونه به نظر می رسد که این طرح با چالش های جدی روبروست اما شکل گیری مثلی هماهنگ متشکل از جریان سازش داخلی فلسطین (ماجد فرج)، سازش عربی (به رهبری بن سلمان) و قدرت صهیونیستی در آمریکا (کوشنر)، صهیونیست ها و نتانیاهو را برای تحقق آرزوهایشان وسوسه کرده است. لذا تحقق معامله قرن به اراده و ایستادگی جهان عرب، کشورهای اسلامی و مقاومت غزه در مقابل فشارها و چالش ها بستگی خواهد داشت.